

چکیده

شخص نایبنا با دیگران فرقی ندارد، جز اینکه قادر به دیدن نیست. نایبنایی چیزی نیست، آنچه که سخت است واکنش دیگران نسبت به شخص نایبناست. افراد نایبنا خواهان برخوردی عادی و معمولی هستند، هر چند ممکن است در برخی موقعیت‌ها نیازمند یاری باشند، اما در اصل ترجیح می‌دهند مستقل باشند تا وابسته. مشکل دیگری که فرا روی برخی از نایبنايان قرار دارد این است که بسیاری از والدین به دلیل نگرانی از ایمنی کودک نایبناي خود، اجازه کشف محیط را به آنها نمی‌دهند، و از آنجایی که نقص بینایی فی‌الذمه، طیف محدود تعامل با محیط را به همراه دارد، این موضوع بر گستره مشکل نیز می‌افزاید. انطباق والدین با کودک نایبنا، مسأله‌ای است که در مقام بعدی قرار می‌گیرد. والدینی که در رویارویی با کودک نایبناي خویش، احساس گناه، غم و اندوه می‌نمایند، به صورت غیرمستقیم این احساسات مخرب را به کودک خود منتقل خواهند کرد. واکنش‌هایی از این دست، به همراه نقص بینایی به پیامدهای جدی فرا روی رشد همه جانبه این افراد منجر می‌شود.

یکی از ابعاد رشدی بسیار مهم و سرنوشت ساز هویت و هویت یابی است. هویت عبارت است از یک مفهوم سازمان یافته از خود که از ارزش‌ها، باورها و هدف‌هایی که فرد بدان‌ها پایبند است تشکیل شده است (اریکسون<sup>۱</sup> ۱۹۹۳). تشکیل هویت، احساسی ذهنی از تمامیت درونی فرد فراهم می‌کند و براساس آن زندگی برای وی هدف و معنا پیدا می‌نماید (برزونسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳).

پرورش افراد دارای ارزش‌های درونی و با هویت، یا به دیگر سخن پرورش نیروهایی که بیشتر بر مبنای ارزش‌ها و باورهای درونی شده خود عمل کنند و به تعبیری معمار شخصیت خویش باشند، از جمله عوامل بسیار مهم پیشرفت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است. در مطالعه حاضر سعی شد تا در قالب بحثی توصیفی، چگونگی شکل‌گیری هویت و مسایل موجود در هویت یابی افراد نایبنا مورد کنکاش قرار گیرد. در این راستا نظریه‌های موجود پیرامون هویت، سبک‌های هویت و عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت نایبنايان به صورت مبسوط مورد بحث قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: هویت، هویت یابی، نایبنايان

# هویت یابی

## در نایبنايان

● امیر قمرانی و حمیدرضا جعفری





## والدینی که در رویارویی با کودک نابینای خویش، احساس گناه، غم و اندوه می نمایند، به صورت غیرمستقیم این احساسات متخرب را به کودک خود منتقل خواهند کرد

سبک های هویت یکی از موضوع های مهم روان شناسی رشد است که در سال های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است.

برزونسکی (۱۹۹۳) برای پردازش اطلاعات مربوط به هویت سه سبک ارائه کرده است. این سه بخش عبارت اند از: سبک اطلاعاتی<sup>۱</sup>، سبک هنجاری<sup>۲</sup> و سبک سردرگم یا اجتنابی<sup>۳</sup>.

افراد دارای سبک اطلاعات مدار، به طور فعال اطلاعات مربوط به خویش را جست و جو کرده، ارزیابی می نمایند و مورد استفاده قرار می دهند. آنها در باره سازه های مربوط به خویشتم شک می کنند و می خواهند آنها را آزمون کنند و هنگامی که با بازخوردهای متفاوتی روبه رو می شوند، می خواهند در ویژگی های هویت خود تجدید نظر کنند. پژوهش هانشان می دهد که استفاده از این سبک با خوداندیشی، تلاش های مقابله ای مسأله مدار، نیاز قوی به شناخت، تصمیم گیری هشیار و بشاش بودن رابطه مثبت دارد (استرایت متر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳). افراد دارای این سبک براساس ملاک های مارسیا (۱۹۹۶) به عنوان هویت موفق<sup>۳</sup> طبقه بندی می شوند.

افراد دارای سبک هنجاری به سؤال های هویت و موقعیت های تصمیم گیری با پیروی از تجویزها و انتظارهای افراد مهم پاسخ می دهند. مارسیا معتقد است که این افراد دارای

هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است و به دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن ساخته می شود (کاستلز<sup>۲</sup>، ۱۳۸۰). نوعی فرایند اجتماعی محسوب می شود که هر انسانی باید آن را به دست آورد. (مانیل و فنیل<sup>۱</sup>، ۱۳۷۹). هویت به عنوان یک ساختار مفهومی که متشکل از شرایط، لوازم و مفروضه های مربوط به خود است تعریف شده است (برزونسکی، ۱۹۹۳).

اریک اریکسون که نام او با «هویت» پیوند عمیقی دارد می نویسد: «هویتی که نوجوان در صدد است تا به صورت روشنی با آن روبه رو شود این است که «او کیست؟» و «نقشی که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟» «آیا یک کودک است یا یک بزرگسال؟» و «سرانجام «آیا او توانایی آن را دارد که روزی به عنوان یک همسر یا پدر یا مادر باشد؟» (به نقل از شرفی، ۱۳۷۹). این که نوجوان می خواهد بداند که کیست؟ و چیست؟ چه راهی در پیش دارد؟ به کجا می خواهد برود؟ و ... همه و همه دلالت بر این دارد که نوجوان به دنبال کسب هویت است و می خواهد در طی فرایند هویت یابی راه خود را بیابد و به «خویشتم خویش» مفهوم ببخشد (مارسیا<sup>۳</sup>، ۱۹۶۶).

براساس تحقیقات واترمن<sup>۱</sup> کسب هویت و هویت یابی نوجوانان از سال های پیش دبیرستانی شروع می شود (به نقل از اسماعیلی، ۱۳۷۷). اریکسون نیز هویت یابی را در مقابل بحران هویت یا «بی هویتی» پدیده ای روانی اجتماعی می داند که در دوره نوجوانی ظهور می نماید.

متأسفانه همه نوجوانان به طور کامل موفق به کسب این مهم نمی شوند و به همین دلیل اغلب این افراد در زندگی آینده با مشکلات متعدد و واکنش های منفی از سوی اطرافیان روبه رو می شوند. این مسأله در مورد کودکان معلول که از نقایص حسی و محرومیت های ناشی از آن رنج می برند اهمیت بیشتری پیدا می کند. در این میان نابینایان نیز به دلیل شرایط خاصی که دارند ممکن است در صورتی که سایر عوامل زمینه ساز موجود باشند، در کسب هویت یابی مشکلات متعددی را تجربه نمایند (پیشاپ و هابسون<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶؛ فریدمن<sup>۸</sup>، ۱۹۸۹).

با توجه به مباحث روان شناختی در زمینه احساس هویت، شاید بتوان گفت که هویت هر فرد برآیند همه تجربه هایی است که در جریان تعلیم و تربیت وی در خانه، مدرسه و جامعه روی داده است. از این رو علمای تعلیم و تربیت ظهور و قوام هویت را در گرو کمیت و کیفیت تعلیم و تربیت افراد می دانند.

**سبک های هویت:**

هویت زودرس<sup>۱۴</sup> می‌باشند.

افراد دارای سبک سردرگم یا اجتنابی از رویارویی با مسایل و تصمیم‌های شخصی بیزارند. اگر این افراد زیاد معطل بمانند و با تعلل رویه رو شوند، واکنش‌های رفتاری نشان می‌دهند. مشخص شده که جهت‌گیری هویتی سردرگم یا مقابله اجتماعی، خود ناتوان‌سازی، هدایت از سوی دیگران؛ سطح پایین مهارت‌های تحصیلی و مشکلات سازشی رابطه مثبت دارد (استریت متز، ۱۹۹۳). این افراد ملاک‌های هویت آشفته «مارسیا» را نشان می‌دهند.

### انواع هویت از دیدگاه نظریه‌های موجود:

با کنکاش در نظریه‌های موجود در زمینه هویت، نظریه‌های جامعه‌شناسی (دیدگاه کنش متقابل نمادین) و نظریه‌های روان‌شناسی (دسته‌بندی خود)، می‌توان انواع متفاوتی از هویت را برشمرد که هویت هر فرد (بینا و نابینا) مجموعه‌ای از همه انواع هویت هاست.

**هویت فردی:** عبارت است از اکتشاف و تعهد نسبت به نقش‌ها، که انتخاب‌های حرفه‌ای، مذهبی، سیاسی و اخلاقی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**هویت جمعی:** عبارت است از توانایی کار با جمع یا گروه به گونه‌ای که فرد قادر به ابراز عقاید و نظرات خود و پذیرش عقاید و نظرات دیگران باشد.

**هویت دینی (مذهبی):** فرایندی است که افراد یک گروه طی آن با برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری خود را به آن حفظ می‌نمایند.

**هویت فرهنگی:** عبارت است از پایبندی به آداب و رسوم، سنت‌ها، جشن‌ها و اعیاد فرهنگ عامه.

**هویت تاریخی:** یعنی آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان.

هویت شغلی و تحصیلی: فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد نسبت به موقعیت تحصیلی و شغلی خود است؛ این که آیا باید درس بخواند یا نه و یا این که چه شغلی داشته باشد و چه راهی را در پیش بگیرد.

**هویت جنسی:** این که یک دختر و پسر ویژگی‌ها و تمایزهای خود را با جنس مخالف بشناسد و از جنسیت خود راضی باشد.

### شکل‌گیری هویت در نابینایان

در جست و جو برای رسیدن به آگاهی از دنیای پیرامون، حس بینایی، فرد را به سمت تعامل با افراد و اشیاء، هدایت تعامل‌ها، و موفقیت در تعامل‌ها پیش می‌برد. بینایی فعالیت

حرکتی و اکتشاف و شناسایی محیط را تسهیل می‌نماید، و از این رو باعث شکل‌گیری پایه‌های رشد شناختی و در نتیجه رشد هویت می‌شود (هانت و مارشال<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۲).

اگرچه نابینایان از حس بینایی محرومند، اما برای شناخت دنیای پیرامون خود از دیگر حواس بهره می‌برند.

نقص آگاهی و نگرش‌های منفی نسبت به توانمندی‌های نابینایان، ممکن است به صورت غیرمستقیم شخص نابینا را با محروم شدن از تجربه‌های محیطی ارزنده رویه رو سازد.

محرومیت از تجربه‌های تحول‌شناختی و هویت‌یابی، نابینایان را با مشکل رویه رو می‌سازد (سالو<sup>۱۶</sup>، ۱۹۸۷، به نقل از هانت و مارشال، ۲۰۰۲). از سوی دیگر حمایت‌های بیش از حد والدین و اطرافیان، به تمامیت روانی و فردیت نابینا لطمه خواهد زد، زیرا منجر به شکل‌گیری احساس فقدان کفایت و اعتماد به نفس در شخص می‌شود، و این احساسات به نوبه خود بر هویت وی تأثیر منفی خواهند داشت (شریفی در آمدی، ۱۳۷۹).

شکل‌گیری هویت در نابینایان با عواطف، خود انگاره و عزت‌نفس آنها رابطه جدایی‌ناپذیری دارد.

به طور کلی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت در نابینایان عبارت‌اند از:

- ۱- نقص بینایی
- ۲- عوامل مربوط به والدین و اطرافیان
- ۱-۲ احساسات مخرب والدین از قبیل احساس گناه، غم و شرمندگی در برخورد با کودک نابینا
- ۲-۲ حمایت‌های افراطی والدین و اطرافیان
- ۲-۳ برخورد‌های ترحم‌آمیز والدین و اطرافیان
- ۳- رفتار فرد نابینا و تأثیر آن بر واکنش دیگران
- ۴- دستیابی آسان به امکانات آموزشی، رفاهی و تفریحی
- ۵- رشد شناختی
- ۶- رسانه‌های گروهی





## نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد، بسندگی در هویت یابی فرد نابینا، وی را در ساختار جامعه و خانواده از مسخ شدگی و انفعال می رهاوند. در واقع یکپارچگی نابینایان که حاصل هویت یابی ساختمان آنهاست، رشد و تحول فردی و بین فردی را در آنها تسهیل می نماید.

افراد نابینایی که در زمینه های مختلف هویتی (فردی، جمعی، شغلی، تحصیلی و...) پیشرفت نمایند، قادر خواهند بود در تصمیم گیری های شغلی، حرفه ای، آموزشی و... موفق عمل نمایند. از این روست که این بعد شخصیتی فرد نابینا (هویت یابی)، به عنوان مهمترین مؤلفه پیش بینی کننده آتیه ای خوش بینانه یا تأثیر گذارنده ای منفی در زندگی وی ایفای نقش می کند. پس بجاست که علمای امر تعلیم و تربیت بابرنامه ریزی صحیح و هدفدار در پیشبرد این رسالت خطیر کوشا باشند.

حمایت های بیش از حد والدین و اطرافیان،  
به تمامیت روانی و فردیت نابینا  
لطمه خواهد زد، زیرا منجر به شکل گیری  
احساس فقدان کفایت و اعتماد به نفس  
در شخص می شود، و این احساسات به نوبه  
خود بر هویت وی تأثیر منفی  
خواهند داشت



## زیر نویس ها:

1-Erikson 2- Bersonsky 3- Castelz 4- Maniel & Faniel 5- Marica  
6-Watermean 7- Bishop & Hobson 8- Fridman 9- Information Style  
10- Normative style 11- Diffuse/Avoidance style 12- Streitmatter 13-Achived  
14- Fore clouse 15- Hunt & Marshal 16- Sallo

## منابع:

- اسماعیلی، محمد (۱۳۷۷). رابطه بین والد و فرزند و نقش آن در شکل گیری هویت. مجله تربیت. سال سیزدهم. شماره هشتم. شهیم، سیما، (۱۳۸۱). بررسی مهارت های اجتماعی در گروهی از دانش آموزان نابینا از نظر معلمان. مجله روان شناسی و علوم تربیتی. سال سی و دوم، شماره ۱. ۱۲۱-۱۲۹
- شرقی، محمد رضا (۱۳۷۹). جوان و بحران هویت. تهران. انتشارات سروش
- شریفی در آمدی، پرویز. (۱۳۷۹). روان شناسی و آموزش کودکان نابینا. تهران. نشر گفتمان خلاق
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هوبت). ترجمه حسن چاووشیان. جلد دوم. تهران. انتشارات طرح نو
- منیل، استفن. (۱۳۷۹). شکل گیری انگاره های جمعی: روند تکوینی دفتر فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۲ و ۳، ۲۲۱-۲۱۱
- هالا هان دانیل، پی و کافمن، جیمز. ام (۱۳۷۸). کودکان استثنایی ترجمه فرهاد ماهر. تهران. انتشارات رشد.
- 8- Bresonsky, Michael D. (1993). Identity style and coping strategies. *Journal of presonality*, V60 , (4) . 771-775
- 9- Bishop, M. & Hobson, R.P.(1996). Interpersonal relatedness, social understanding & identity in congenitally blind children. *Journal of special educatin*. 17 , 401- 420
- 10-Fridman , C.T. (1989). Intergating infants, a play group for both visually impaired and sighted infants provides a well structured model . the exceptional parent. 19(1). 52-58
- 11-Hunt , Nancy & Mashal ,k.(2002) . Exceptional children and youth . (3 ed ) . Houghaton Mifflin Company .
- 12-Marcia , J. k. (1966). Development and validation of egoidentity status. *Journal of personality and social psychology* . 3. 5551-558
- 13- Streimater, J. (1993). Identity status and Identity style . *journal of adolescence* , 16 . 211-215